

بررسی تاریخ انقلاب اکتبر ، ساختمان سوسیالیسم در شوروی آنطور که بوده
و نه آنطور یکه امپریالیست ها جعل و تحریف کرده اند

(10)

توطئه بزرگ

مایکل سیرز- آلبرت کان

کتاب یکم : انقلاب و ضد انقلاب

برگردان : ماکان

از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

بخش چهارم

ماجرای سیبری

1- راهنمای حافظه

دوم اوت 1918 ، روزی که نفرات نظامی انگلیس در آرخانگل پیاده شدند ، ژنرال ویلیام اس . گریوز از ارتش ایالات متحده ، فرمانده سپاه هشتم کمپ فرمونت در پالوانتوی کالیفرنیا ، پیام رمزی فوری از وزارت جنگ در واشنگتن دریافت نمود . پس از باز کردن رمز ، پیام مزبور به این صورت آغاز میشد :

" در باره مفاد این پیام با هیچیک از ماموران زیردست و یا افراد دیگر صحبت نخواهید کرد " پس از آن به ژنرال دستور داده میشد که

" اولین و سریعترین ترن را از سانفرانسیسکو گرفته و بسوی کانزاس سیتی رهسپار شود . در آنجا می بایستی به هتل بالتیمور رفته و درخواست دیدار وزیر جنگ را بنماید . "

هیچگونه انگیزه ای برای این احضار غیر مترقبه ذکر نشده بود . هیچگونه اشاره ای نیز راجع به اینکه وی تا چه مدت از محل کار خود دور خواهد بود ، نشده بود .

ژنرال گریوز ، سرباز کهنه کار و مارگزیده ، هنگامیکه محلی برای سنوال وجود نداشت ، چون و چرا را بکنار می گذاشت . وی اندک بار و بنه خود را دورن کیف سفری کوچکی چپانید و دو ساعت بعد در قطار سریع السیر سانتافه ، از سانفرانسیسکو بطرف شرق رهسپار گشت . هنگامیکه به کانزاس سیتی رسید ، مشاهده کرد که نیوتون دی . بیکر در ایستگاه در انتظار وی ایستاده است .

وزیر جنگ حالتی شتابزده داشت و قرار بود تا چند دقیقه بعد سوار قطار شود . وی با عجله علت احضار ژنرال را به آن ملاقت مرموز توضیح داد . وزارت جنگ گریوز را برای فرماندهی تروپ های امریکایی که بایستی بفوریت به سمت سیبری حرکت میکردند ، انتخاب کرده بود .

بیکر سپس پاکتی مهر و موم شده را به گریوز داده و گفت :

" این پاکت حاوی شرح سیاست ایالات متحده در روسیه است که می بایستی از آن پیروی کنید . مواظب قدمهای خود باشید و گرنه روی تخم مرغ هایی پا خواهید گذاشت که با دینامیت پر شده اند . خدا نگهدارتان باشد "

همان شب ، ژنرال گریوز پاکت مزبور را در اطاق هتل خود در کانزاس سیتی باز نمود و یادداشتی هفت صفحه ای در آن یافت که به نام " راهنمای حافظه " مشخص شده بود .

یادداشت بدون امضا بود ولی در پایان آن کلمات زیر آورده شده بود :

" وزارت امور خارجه ، واشنگتن دی . سی . 17 ژوئیه 1918 "

راهنمای حافظه با یک سری مطالب کلی درباره اینکه " قلب و روح ملت امریکا در گروی پیروزی در جنگ است " شروع میشد . مدرک مزبور اضافه میکرد که ایالات متحده " بدون هیچگونه

تاملی" و بهر طریق ممکن با متفقین خود بر علیه آلمان همکاری مینماید. راهنما سپس به اصل مطلب می پردازد.

" قضاوت سریع و راسخ ایالات متحده که در پی ملاحظات مکرر و بسیار کاوشگرانه در مورد موقعیت کلی روسیه بدان حصول شده، این است که مداخله نظامی در آن کشور به جای آنکه به هرج و مرج تاسف بار آن پایان بخشد، بر میزان آن میافزاید و به جای کمک، بدان لطمه وارد میآورد و اینکه این امر هیچگونه بهره ای در مورد هدف اصلی ما یعنی پیروزی در جنگ علیه آلمان، در بر ندارد. ما در نتیجه نمی توانیم در این مداخله شرکت و یا اصولاً آنرا تایید نماییم. " این بیان صریح و دقیق سیاستی بود که ژنرال خود قلباً با آن توافق داشت؛ اما چه دلیلی وجود داشت که وی برای فرماندهی تروپ های آمریکایی به خاک روسیه فرستاده میشد؟ وی با بهت و حیرت به خواندن ادامه داد:

" ارزیابی ایالات متحده از اوضاع به این امر منتهی میشود که عملیات نظامی برای کمک به چکها بمنظور تحکیم نیروهایشان و همکاری موفقیت آمیز با اقوام اسلاویشان، قابل قبول می باشد... " چکها؟ در روسیه؟! "

ژنرال بعدها در کتاب خود، " ماجرای آمریکایی در سیبری " نوشت:

" به بستر رفتم، اما نمی توانستم بخوابم. در حیرت بودم که سیاست دول دیگر چیست و چرا به من اطلاعاتی راجع به آنچه در سیبری می گذرد داده نشده است. " چنانچه ژنرال گریوز از پاسخ به پرسشهایی که خواب را بر وی حرام کرده بود مطلع میشد، آتشب تابستان در کاتزاس سیتی برایش آشفته تر میگردد.

2 - دسیسه در ولادی وستک

در زمان حاکمیت فنودالی تزارها، پهنه وسیع و غنی سیبری کاملاً توسعه نیافته باقی مانده بود. بخش بزرگی از این سرزمین پهناور که از مرز اروپا تا اقیانوس آرام و از قطب شمال تا افغانستان کشیده شده، خالی از سکنه مانده بود، طول این سرزمین وحشی و ناشناخته را تنها یک راه آهن تک خطی ترانس سیبری طی مینمود.

" راه آهنی که تنها رابط بین خاور و باختر بود. هر کس که این خط آهن و چند کیلومتر از خاک دو طرف آنرا در کنترل داشت، تمام روسیه آسیایی را در اختیار خود داشت. شبه قاره ای با اهمیت سوق الجیشی و ثروت غیر قابل تصور. "

در اواسط تابستان 1918، هنگامیکه ریموند رابینز با خط آهن ترانس سیبری به جانب غرب حرکت میکرد، ترنهای مملو از سربازان چک را در خطوط کناری مشاهده کرده بود. این چکها نفرات ناراضی ارتش اتریش- مجارستان را میساختند که در گروههای بی شمار جبهه را بسمت خطوط روسیه رها کرده بودند. سرفرماندهی نظامی سلطنتی روسیه آنها را بعنوان یک ارتش چک که در کنار روسها بر علیه نیروهای اتریش- مجار می جنگیدند، متشکل ساخته بود. پس از سقوط کرنسکی، دولت شوروی بنا به درخواست متفقین، موافقت کرده بود تا تروپ های چک را از عرض روسیه به سمت ولادی وستک نقل مکان دهد. قرار بود آنان در این بندر سوار کشتی شده، دور کره زمین را پیموده و در جبهه غرب به نیروهای متفقین بپیوندند. به این ترتیب، بیش از پنجاه هزار نفر از این سربازان بصورت رشته ای در طول 8000 کیلومتر خط آهن از کازان تا ولادی وستک پراکنده شدند.

سربازان چک گمان میکردند که در اروپا برای استقلال چکوسلواکی خواهند جنگید. اما رهبران شان ژنرالهای مرتجع چک گایدا و سیروی نقشه های دیگری در سر داشتند. آنان در تیبانی با برخی از سیاستمداران متفق نقشه این را داشتند که از تروپ های چک بمنظور سرنگونی دولت شوروی استفاده کنند...

طبق قراردادی که بین متفقین و دولت شوروی امضاء شده بود ، چکها موظف بودند به هنگام عبور از قلمرو شوروی ، سلاحهای خود را تحویل مقامات شوروی بدهند . اما در چهار ژوئن 1918 ، سفیر کبیر دیوید آر . فرانسیس ، در نامه ای محرمانه به پسر خود اطلاع داد که وی در صورت امکان " در حال برنامه ریزی برای جلوگیری " از خلع سلاح سربازان چک می باشد . سفیر کبیر امریکا اضافه کرد که :

" بجز یک اظهار سمپاتی از طرف وزارت امور خارجه ، هیچ دستورالعمل و یا اتوریتة ای مبنی بر تشویق این افراد به سرپیچی از اوامر دولت شوروی ، به من داده نشده است . "

چکها تحت فرمان ژنرال گایدا و سیروی ، از تحویل تجهیزات نظامی خود به مقامات شوروی خود داری کردند . شورشهایی بطور همزمان در طول خط آهن ترانس سیبری به وقوع پیوست . نفرات تعلیم دیده چک که به ساز و برگ نظامی کافی مجهز بودند شهرهای کوچکی را که در آنها توقف کرده بودند تصرف کرده ، نظام منطقه ای شوروی را سرنگون و نظامی ضد شوروی را جایگزین آن ساختند . در طی هفته نخستین ژوئیه ، ژنرال گایدا با کمک ضد انقلابیون روسیه ، کوتایی در ولادی وستک بر پا و رژیم ضد شوروی را در آن شهر برقرار نمود . خیابانها مملو از اعلامیه هایی گردید با امضاء دریا سالار نایت از نیروی دریایی ایالات متحده ، دریا سالار کاتو از نیروی دریایی ژاپن ، سرهنگ پونس از میسیون نظامی فرانسه و سروان بادیورا از ارتش چک که فرماندار شهر اشغالی گردیده بود . اعلامیه مزبور به اطلاع اهالی میرسانید که دخالت نیروهای متفقین " بنا بر روحیه دوستی و همدردی با مردم روسیه " انجام گرفته است .

روز 22 ژوئیه ، پنج روز پس از آنکه وزارت امور خارجه امریکا ، " راهنمای حافظه " را در مورد لزوم اعزام سربازان امریکایی به سیبری ، برای کمک در امر پیاده نمودن نفرات چک تنظیم نمود ، دویت کلینتون پول کنسول امریکا در مسکو (1) تلگرافی به کنسول امریکا در امسک مخابره کرد که در آن چنین اظهار میشد :

" بطور محرمانه به اطلاع رهبران چک برسانید که متفقین ، تا اطلاع ثانوی ، از نقطه نظر سیاسی ، خرسند خواهند بود چنانچه چکها موضع فعلی خود را حفظ کنند . از سوی دیگر ، آنان نبایستی از لزوم ملاحظه کاری در قبال شرایط خاص نظامی غافل گردند . مطلوب این است که پیش از هر چیز کنترل راه آهن ترانس سیبری را تضمین کنند و در صورت موفقیت در این امر تسلط خود را بر نقاطی که اکنون در اختیار دارند ابقا نمایند . به نمایندگان فرانسوی نیز اطلاع دهید که سرکنسول فرانسه نیز در این رهنمودها با ما همداستان است . "

اشغال سیبری توسط متفقین در تابستان 1918 ، به بهانه نجات جان چکها از حملات تحریک نشده نفرات ارتش سرخ و زندانیان جنگی آلمان که توسط بلشویکها مسلح شده اند ، صورت گرفت . در طول بهار و تابستان آن سال ، روزنامه های انگلیس ، فرانسوی و امریکایی سرشار بودند از گزارشهای پر هیجان راجع به اینکه بلشویکها به تسلیح " دهها هزار زندانی آلمانی و اتریشی در سیبری " پرداخته اند تا علیه چکها بجنگند . نیویورک تایمز گزارش داد که در شهر امسک به تنهایی 60 ، 000 آلمانی توسط سرخها به ساز و برگ نظامی مجهز شده اند .

با اجازه از مقامات شوروی ، سروان هیگز از سرویس مخفی انگلیسی ، سروان وبستر از میسیون صلیب سرخ امریکا و سرگرد درایزدیل وابسته نظامی امریکا در پکن برای تحقیق در مورد این اتهامات رهسپار سیبری شدند . پس از هفته ها بازرسی دقیق ، هر سه نفر بیک نتیجه رسیدند . هیچگونه زندانی مسلح آلمانی و اتریشی در سیبری یافت نمیشود . مامورین مزبور همچنین اعلام کردند که اتهامات فوق الذکر از جمله تبلیغات مصنوعی است که با هدف تحریک نیروهای متفقین بدخالت علیه روسیه شوروی طرح شده اند . (2)

در روز هشت اوت ، دولت انگلیس به مردم روسیه اطلاع داد که :

" ما برای کمک به شما میآییم تا از تکه تکه شدن و نابودی بدست آلمانیها رهایی یابید ... ما قاطعانه آرزومندیم بشما اطمینان دهیم که حتی یک وجب از خاک شما را در تصرف نگاه نداریم .

سرنوشت روسیه در دست مردم روسیه است . تصمیم در مورد شکل حکومت و راه حل مسائل اجتماعی تنها با خود آنها می باشد " .

16 اوت ، اولین بخش از نیروهای امریکایی در خاک روسیه پیاده شدند . واشنگتن اعلام نمود که : " عملیات نظامی در این زمان قابل پذیرش است ولی تنها برای حفاظت و همراهی ، در صورت امکان ، به چکها در مقابل حمله زندانیان مسلح اتریشی و آلمانی و برای هموار ساختن مسیر برقراری حکومت بر خود و دفاع از خود مردم روسیه چنانچه خود خواستار این مساعدت باشند. " ژاپنی ها نیز در همان اول ماه نیروهای تازه نفس خود را در روسیه پیاده کردند . توکیو سپس اعلام داشت :

" دولت ژاپن با این اقدام ، در میل خود مبنی بر پیشبرد روابط دوستانه و مداوم ثابت قدم میماند . دولت ژاپن بر سیاست خود بر اساس احترام به تمامیت ارضی روسیه و امتناع از هرگونه دخالت در سیاست های ملی آن ، تاکید میورزد . "

سرفرماندهی نظامی ژاپن ، با برنامه ریزی قبلی ، سرپازان خود در سیبری را با فرهنگ های روسی- ژاپنی مجهز کرده بود که در آن کلمه " بلشویک " به معنی " بارسوک " (یعنی راسو) تعریف شده و با جمله " بایستی از نسل ساقط گردد " دنبال شده بود .

* * * * *

توضیحات :

- (1) این شخص بعد ها به ریاست بخش مربوط به امور روسیه در وزارت خارجه امریکا منتصب گردید .
- (2) یافته های کاپیتن هیگز ، کاپیتن وبستر و سرگرد درایزدیل از اذهان عمومی مردم انگلیس و امریکا دور نگاه داشته شد . کاپیتن هیگز فرمانی از دادگاه دریافت کرد که به او دستور بازگشت به لندن را میداد . پس از آن وی بکار با سیدنی ریلی گمارده شد . وزارت امور خارجه امریکا نیز گزارشات کاپیتن وبستر و سرگرد درایزدیل را در بایگانی مخفی نمود .

.....
بهمن ادیب 2006/04/16